

در این شماره می‌فوانید :

* عزل یا استعفا؟! اما بخوانید؛ داستان برکناری ...

* نامه وارده: سخنی با دکتر خزایی

* مطالباتی که همچنان پاسخ مسئولین را می‌طلبد

* دهه سوم انقلاب، دهه «دقت فکری» است



المسئولون والمسئولون والمسئولون والمسئولون

نشریه تحلیلی سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان

دانشگاه بوعلی سینا

سال سوم - شماره هفتم

مهتراب

ادامه پوپولیسیم ناخود آگاه ، دگماتیسم نقابدار :

حال بگذریم از شائبه ها پیرامون اهداف و نتایج تحصن ها و تجمع های دوستان در دوره اصلاحات ، که گمانه ها بر این است دانشجو قربانی جو زدگی ، عوام گرایی و معاملات پشت پرده سیاسی و یا احیانا مادی بر سر بوفه های دانشگاه و امتیاز و امکانات گرفتن از دانشگاه گردیده است .

لازم به ذکر است که پوپولیسیم ناخود آگاه دوستان با رکورد ۴۳ تحصن در یک ترم ، آنچنان حرفه ای بوده که : هم توانسته وجهه دانشجویی شان را حفظ و ارتقا بخشد ، هم امتیاز گیری شان از دانشگاه را تضمین نماید و هم دگماتیسم را در شعار مطلق گرایانه ((من مخالفم پس هستم)) در صدر نشانند و هم به پوپولیسیم متهم نشوند تا با خیال آسوده تر آن را نثار مخالفان خود کنند آن قدر حرفه ای که هوگو چاوز بایستی واحد پوپولیسیم خود را نزد دوستان ما بگذراند .

نتیجه گیری :

تحجر و تجدد به زعم سید شهیدان اهل قلم آوینی ؛ دو پرتگاه جهنمی است که صراط عدل و اسلام از میان آن دو می گذرد این دو ، دو روی یک سکه اند . ما نه تحجر (مخالفت با هر چیز نو و جدید و اصرار بر سنت های گذشته با هر ویژگی) را و نه تجدد (پذیرش هر چیزی که نو است و دور ریختن هر آنچه از سنت هاست) را نمی پذیریم و بر این باوریم که پذیرش بی چون چرای آموزه های غربی که در عبارات ؛ استقلال آکادمیک ، مشروعیت ریاست دانشگاه به نظر دانشجو و ... دوستان ظهور می یابد عین تحجر و دگماتیسم است زیرا بدون هیچ تاملی آن را پذیرفته اند و نقابدار است چرا این بی فکری و جزم اندیش را با لعاب روشنفکری و خرد ورزی پوشانیده اند

سخنی با دکتر خزایی

جناب آقای دکتر خزایی سلام، خسته نباشید؟! در جلسه پرسش و پاسخ شما با دانشجویان صحبت های شما رو شنیدیم. جای جبهه رفته ها و شهدا خالی؟! خسته نباشید! در جلسه از رهبران مایه گذاشتید، دست مریزاد، از سوابق خودتان در جبهه و جنگ گفتید، قبول باشه؟! استاد بسیجی نمونه، میشه بگید تا حالا کدام فرمایشات رهبر عزیز انقلاب را اجرا کرده اید یا در جهت آنها گام برداشته اید؟ در راستای فرمایشات ایشان چه ها کردید؟ کاش می گفتید چقدر مطالبات حق طلبانه دانشجویان را، نه اجرا بلکه حداقل شنیده اید؟ کاش می گفتید تا حالا به چند جا از این حرفهای حق طلبانه دانشجویان بسیجی شکایت کرده اید؟ کاش می گفتید از شنیدن این حرفها چقدر خوشحال می شوید، کاش می گفتید این حرفها چقدر شما را آشفته می کند؟ کاش و هزاران کاش دیگر

استاد عزیز از جبهه و جنگ و سوابق انقلابی خود گفتید از جنگ و اینکه خانواده خودتان را رها کردید و در پتروشیمی در خدمت دفاع از انقلاب بودید. خسته نباشید، متشکریم. نمی گویم که پرونده شما را رفته و بررسی کردم، کاش می گفتید اون روزها در انگلیس و آمریکا همزمان با دکتر چمران !! چه ها می کردید؟ کاش می دانستید انقلابیون چه ها کردند؟ کاش از کردستان و همزمی با شهید بروجردی هم می گفتید !! کاش می گفتید که در پتروشیمی مانند یک کارمند کار می کردید و حقوق می گرفتید؟ کاش کمی از ارتباط این پتروشیمی با جنگ بیان می کردید؟ شاید باورمان شود که؟! کاش بجای اینکه از پتروشیمی گفتید: از فکه و طلائیه ، از اروندو شلمچه ، از هویزه و سلیمانیه می گفتید. کاش از عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ و می گفتید. کاش حداقل می گفتید که بعد از جنگ از این مناطق بازدید کرده اید؟ کاش ما را اینقدر شرمنده نمی کردید! فقط می گفتید این مکانها در جنوب کشور قرار دارند یا در غرب؟ همین برای ما کافی است.



استاد عزیز از جبهه و جنگ و سوابق انقلابی خود گفتید از جنگ و اینکه خانواده خودتان را رها کردید و در پتروشیمی در خدمت دفاع از انقلاب بودید. خسته نباشید، متشکریم. کاش می گفتید اون روزها در انگلیس و آمریکا همزمان با دکتر چمران !! چه ها می کردید؟ کاش می دانستید انقلابیون چه ها کردند؟ کاش از کردستان و همزمی با شهید بروجردی هم می گفتید !! کاش می گفتید که در پتروشیمی مانند یک کارمند کار می کردید و حقوق می گرفتید؟ کاش کمی از ارتباط این پتروشیمی با جنگ بیان می کردید؟ شاید باورمان شود که؟! کاش بجای اینکه از پتروشیمی گفتید: از فکه و طلائیه ، از اروندو شلمچه ، از هویزه و سلیمانیه می گفتید. کاش از عملیات کربلای ۴ و کربلای ۵ و می گفتید.

آقای دکتر خزایی پیشنهاد می کنم امسال عید بجای اینکه به تهران و اصفهان و شیراز و کشورهای خارجی سفر کنید، بیاید با بچه ها به بازدید از مناطق جنوب برویم. ببینیم در هشت سال جنگ در جبهه ها چه گذشته است. مزید اطلاع می گویم در تعطیلات عید، جامعه اسلامی از این مناطق بازدید خواهند داشت بیاید خود را دعوت کنید و در این سفر همراه آنها شوید(البته اگر برو بچه های جامعه اسلامی دانشجویان موافقت کنند). اون وقته که یقین دارم حیفتان می آید پتروشیمی بودن را جبهه تصور کنید. از این حرفها بگذریم، آقای دکتر خزایی، خاطره ای از جبهه برایتان بگویم، مطمئن هستم که تاکنون نشنیده اید شاید بهانه ای باشد یادی از این عزیزان کرده باشیم. نقد کردن شما فایده ای نخواهد داشت پس خاطره رو بشنویم: از سردار حجازی شنیدم، می گفت: در منطقه بودم، جوانی خوشگل و باریک اندام با لباسهای زیبا اومد اونجا، خودش رو ناصر نیکنام معرفی کرد. از آن ژیکوریهها بود بهتر بگم تیپ جوانهای امروزی رو داشت. گفت اومدم جبهه خدمت کنم. به قیافش نگاه کردم حدس زدم به درد جبهه و منطقه نمی خوره، آخه تو جبهه و این تیپی ندیده بودم، دلم نیامد به او نه بگم. گفتم: جایی برای کار شما ندارم. فقط یه آشپزخانه است، می دانی اونجا کمک کنی، جواب مثبت داد و رفت آشپزخانه؛ اونجا رو تمیز می کرد، پیازی پوست می گرفت، سیب زمینی آماده می کرد و تا اینکه یه روز تو عملیات برای توپخانه نیرو کم آورده بودیم. از من نیرو می خواستند، نداشتیم. ایشون رو معرفی کردم اما چشمم آب نمی خورد به دردشون بخوره.

آقا ناصر رو فرستادم توپخانه دیگه هم یادم رفت که یه ناصر خوشگلی تو آشپزخانه داشتیم.

بچه های توپخانه که می اومدن پیش من از طرف ناصر سلام می رساندند، می پرسیدم کدام ناصر! گفتند: همون جوان خوش قیافه! من هم جوابش رو می دادم، دیگه هم پیگیری نمی کردم.

به هر حال گذشت تا اینکه جنگ تمام شد و من یه روز داشتم از شمال رد می شدم، عکس بزرگ آشنایی رو دیدم کنار خیابون، به راننده گفتم، نگه داشت. رفتم جلوتر دیدم نوشته پیام ((سالروز شهادت سردار ناصر نیکنام)) بود.

کارم رو رها کردم و رفتم بنیاد حفظ آثار اونجا، پرونده ایشون رو درآوردم یادم آمد که این همون جوان خوش قیافه است، پرونده اش رو خواندم، متوجه شدم دانشجوی فوق تخصص جراحی مغز در آمریکا بوده، وقتی جنگ پیش می آید، درس رو رها می کنه و میاد جبهه و بقیه ماجرا که خوندید. آقای حجازی می گفت: اون وقت بود که فهمیدم چرا ما شهید نشدیم و اینها از راه اومدن و رفتن.

یادشان گرامی

آقای دکتر خزایی برداشت با شما، بسیجی نمونه شدن هم پیش کش شما ما که نخواستیم. مهم اینه که اون بالای ما رو بپذیره؟ قبول باشه به ما بگه. آقای دکتر خدا قوت...

دهه سوم انقلاب ، دهه «دقت فکری» است

روز ۲۷ آذر به مناسبت شهادت آیت ... مفتاح ((روز وحدت حوزه و دانشگاه)) نامیده شده است ، در این نوشتار قصد بر این است که در رابطه با این موضوع به بیان چند نکته بپردازیم :

در سالهای قبل از انقلاب و سالهای سخت آغاز انقلاب هدف گذاری برای ارتباط حوزه و دانشگاه بنیان گذارده شد اما در آن زمان کیفیت این ارتباط، بسیار آسانتر و واضح تر بود. زیرا عبارت بود از کمی تفاهم اخلاقی، درک متقابل، رفع سوءظن‌ها، آشنایی با علوم و شیوه کار یکدیگر و ...

در صورتی که دانشگاه امروز با دانشگاه سی سال قبل و حوزه امروز با حوزه سی سال پیش، به کلی متفاوت است.

وظیفه اصلی این دو مرکز علمی و فرهنگی جامعه ما این است که از تجربه «جامعه سازی جدید» که الان درگیرش هستیم، موفق بیرون بیایند.

باید توجه داشت که مانیفست تحول بزرگ جهان اسلام، به دست ما نوشته می شود و ملتهای بسیاری منتظرند از روی دست دانشجویان و طلاب، نسخه برداری کنند. ملتهای زیادی نظاره گرند که جامعه و حکومت جدید در ایران، چگونه پیش می رود و در فاصله ده سال و بیست سال، از ما مو به مو تقلید خواهند کرد . امروز جوامع اسلامی دیگر در حال الگوبرداری از انقلاب ما و فداکاریهای نسل اول و دوم انقلاب هستند. اما باید کاری کنیم که در دو دهه آینده، جوامع اسلامی بتوانند از روی پروژه حکومت و نحوه حکومت ما هم الگو برداری کنند. اگر نتوانیم انقلابی را که در سطح جهان اسلام راه انداخته ایم، به سامان برسانیم و نتوانیم جایگزین مناسبی در برابر الگوهای ارتجاعی و الگوهای غربی ارایه دهیم، آن وقت تمام تلاشها و فداکاریها، به یأس مجدد جهان اسلام خواهد انجامید.

حوزه و دانشگاه باید دائم بررسی کنند که آیا جامعه ای که می خواستیم بسازیم و می خواهیم بنا کنیم، همین است؟ تقریباً امروز همه مدیران کشور از کرسی های حوزه و دانشگاه وارد کرسی های مدیریتی می شوند. از این جهت، حاکمیت، فرزند دانشگاه و حوزه است. این که سرنوشت جامعه و نظام به جای پستوی مافیای ثروت و قدرت، در محافل علمی تعیین شود، نکته بسیار مثبتی است و در عین حال مسؤولیت آور است؛ تکلیف بزرگی است از طرف خدا و مردم که بر دوش حوزه و دانشگاه نهاده شده است.

در دهه سوم باید کمتر کلی گویی کنیم. دهه سوم، دهه «جزیی گویی» است. دهه سوم دهه «دقت فکری» است. دقت در حرف زدن، در نقد کردن و پیشنهاد دادن. باید همان اصول دهه اول را پیگیری کنیم، اما انحصاراً در آن حد نباید باقی بمانیم. اگر حوزه و دانشگاه در پروژه تولید علم و تولید حرفهای جدید و طرحهای عملی شکست بخورند، حاکمیت شکست خواهد خورد.

ما در این شرایط اولاً نباید امید خود را از دست دهیم اگر ما مثبت باشیم و مثبت بیندیشیم، حاکمیت مثبت خواهد بود و جامعه جلو خواهد رفت. ثانیاً حوزه و دانشگاه باید به سمت عمل گرای پیش بروند. طلبه و دانشجو در حوزه و دانشگاه نباید جدا از جامعه و بی ارتباط با مشکلات عینی مردم و حاکمیت مطالعه و مباحثه کنند.

ثالثاً مراقب باشیم که بدنه اصلی دانشگاه و حوزه آلوده به مسایل فرعی و حاشیه ای و دعوای حزبی و فحاشیهای ژورنالیستی و چاقوکشی های روزنامه ای نشود و آن انرژی که باید به کار مردم و محرومین بیاید، در این جبهه ها هدر نرود.

مسئولین را می طلبد

میثم بی آبادی

دو هفته از جلسه پرسش و پاسخ با ریاست دانشگاه و معاونین ایشان می گذرد جلسه ای که بی پاسخ گذاردن بسیاری از پرسش ها پایان گرفت و لیکن نگاه ما به جلسه پرسش پاسخ ، نتیجه گیری از آن و گرفتن پاسخ پرسش هایمان است و نه فقط انتقاد کردن و احیاناً تریبونی برای تخلیه شدن دانشجویان ، به همین جهت در نظر داریم ستون مطالبات را به بهانه جلسه پرسش پاسخ در نشریه افتتاح نماییم و آن را به بیان مطالبات همه دانشجویان ، که لطف نموده به نشریه ارسال می دارند ، اختصاص دهیم .

چند پرسش اساسی مطرح شده در جلسه پرسش پاسخ را دوباره مطرح می کنیم و تا دریافت پاسخ کتبی از مسئولین ، به پرسش مداوم همین سوالات ادامه می دهیم و امید داریم دفتر ریاست دانشگاه که به مطالبه آن تشکل در مورد زباله های کنار سلف سرویس پاسخ کتبی داده به سوالات ما نیز پاسخ صریح دهد :

۱) در مورد سوال دوستان عدالتخواه مبنی بر برگزاری جلسه مناظره و بحث میان مسئولین تشکل ها و مدیران دانشگاه چه پاسخی دارید ؟

۲) در مورد حکم کمیته انضباطی آقای م . امام قلی که اکنون به ایشان ابلاغ و اعمال نگردیده پاسخ صریح می خواهیم که دلیل اعمال نشدن این حکم که در دوره سرپرستی دکتر خزایی در معاونت دانشجویی اتفاق افتاده است ، چه بوده است ؟

۳) همواره عضو دانشجویی کمیته انضباطی دانشگاه به علت جایگاه ویژه آن نهاد از میان دانشجویان غیر تشکلی و غیر مشهور و دارای صلاحیت انتخاب گردیده است . حال چگونه است که امسال این حکم برای خانم برزگر ، دبیر همان تشکل شناخته شده صادر گردیده است ؟ علت این انتخاب با توجه به نوع تعامل این تشکل با ریاست دانشگاه چه چیزی را در ذهن متبادر می کند؟

۴) آقای دکتر خزایی آیا صحت دارد که پیش از انتصاب حضرت عالی به برخی مدیران به اصطلاح ۱۰ ساله قول عدم برکناریشان را داده اید و در مقابل ایشان نیز از ریاست شما حمایت کرده اند ؟

جاده

نشریه تحلیلی، سیاسی و انتقادی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان

مدیر مسئول : میثم بی آبادی

گروه نویسندگان: میثم بی آبادی، عبدالله مرادی، حمید سلطانی

سعید لطفی خواه، پژمان شیخ الاسلامی نسب

